



## Critique and Methodology of the Stages of Ijtihad Interpretation of the Quran in the Most Important Books Principles of Interpretation Based on the Chart Resulting from Advanced Research Method

Faraj Talashan <sup>1\*</sup>, Abolhasan Momen Nejad <sup>2</sup>

\*1 Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran, Email: [f.talashan@yu.ac.ir](mailto:f.talashan@yu.ac.ir)

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran, Email: [amomennejad@yu.ac.ir](mailto:amomennejad@yu.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received  
September 11, 2023  
Accepted  
November 22, 2024

**Keywords:**  
Methodology, stages of interpretation, ijtihadist interpretation, principles of interpretation.

### ABSTRACT

The specific understanding and interpretation of the Holy Quran is possible through the principles of Quranic interpretation. The writings and researches conducted in the field of the principles of Quranic interpretation (methodology of explaining the stages of ijtihadic interpretation) have weaknesses, shortcomings and unacceptable deviations due to the lack of clarity and revision of the methodological aspects and explanation of the stages of Quranic interpretation for some of those authors.

In this direction, the present study, with the aim of "Criticizing and examining the methodology of the stages of ijtihad interpretation of the Quran in the books on the principles of interpretation of the Quran", is trying to use a descriptive-analytical method based on library information, based on the pattern and chart resulting from the advanced research method, to criticize and examine ten books from Shiite and Sunni books that claim to explain the principles of interpretation of the Quran to the audience, and to extract and classify the stumbling blocks of the authors of such books. In this study, Appendix I reviews and examines the author's structure and Appendix II shows the structure of the research components (order of components) based on the advanced research method in the field of Quranic knowledge, based on which the methodology and explanation of the stages of ijtihad interpretation of the Quran in the aforementioned books have been criticized and examined. Based on the achievements of this study: A number of these books have gone astray in the purpose they stated in the introduction or generalities, and the titles of the books do not match their subject matter, and the contents are presented in their books without any particular order. Also, there is confusion between the contents of Quranic sciences and interpretation.



دانشگاه اصفهان

شاپای الکترونیکی: ۸۹۴۴-۲۹۸۰

پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی

<http://www.api.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

## نقد و بررسی روش-شناسی مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در مهمترین کتب اصول تفسیر بر اساس چارت منتج از روش تحقیق پیشرفته

فرح تلاشان<sup>۱\*</sup>، ابولحسن مومن نژاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، ایمیل:

[f.talashan@yu.ac.ir](mailto:f.talashan@yu.ac.ir)

<sup>۲</sup> استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، ایمیل:

[amomennejad@yu.ac.ir](mailto:amomennejad@yu.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

دریافت مقاله:

۱۴۰۳/۰۱/۲۰

پذیرش نهایی:

۱۴۰۳/۰۵/۰۱

واژگان کلیدی:

قرآن، روش-شناسی، مراحل تفسیر،  
تفسیراجتهادی، اصول تفسیر

فهم و تفسیر ویژه قرآن کریم از رهگذر اصول تفسیر قرآن میسر هست. تالیفات و پژوهش های انجام شده در زمینه اصول تفسیر قرآن (روش-شناسی تبیین مراحل تفسیر اجتهادی)، به دلیل مشخص و متقن نبودن زوایای روش شناسی و تبیین مراحل تفسیر قرآن برای برخی از آن نویسندگان، دارای نقاط ضعف، کاستی ها و کجروی های غیرقابل قبولی می باشد.

در همین راستا پژوهش حاضر با هدف «نقد و بررسی روش شناسی مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در کتب اصول تفسیر قرآن» در تلاش است با روش توصیفی-تحلیلی بر پایه اطلاعات کتابخانه ای، بر اساس الگو و چارت منتج از روش تحقیق پیشرفته، به نقد و بررسی ده کتاب از کتب شیعه و اهل سنت که داعیه دار تبیین اصول تفسیر قرآن به مخاطب هستند، بپردازد و لغزشگاه های مؤلفان این گونه کتب را استخراج و دسته بندی کند. در این پژوهش پیوست اول نقد و بررسی ساختار مؤلف و پیوست دوم، ساختار اجزای تحقیق (ترتیب اجزا) را بر اساس روش تحقیق پیشرفته در حوزه معارف قرآنی نشان می دهد که بر اساس آنها روش شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در کتب مذکور مورد نقد و بررسی قرار گرفته اند.

بر اساس دستاوردهای این پژوهش: تعدادی از این کتب در هدفی که در مقدمه یا کلیات بیان کرده بودند راه خطا رفته و عنوان کتاب با معنوی آن مطابقت ندارند و مطالب بدون نظم خاصی در کتاب آنها آورده شده است. همچنین میان مطالب علوم قرآنی و تفسیر دچار خلط شده اند.

## ۱- مقدمه

قرآن کریم مرتبه‌ای از علم لایزال قادر متعال که استوارترین و آخرین پیام برای دستیابی به سعادت و فلاح دو جهان است. این کتاب دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که سبب گردید افراد با نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت در صدد کشف رمز و رازها و مطالب ژرف، بدیع و هدایتگر و سازنده آن بایند.

با توجه به اهمیت والای قرآن و جایگاه آن در میان امت اسلامی و بلکه جهانیان، برخی قرائت آن را وجه همت خود قرار دادند، بعضی ترجمه و عده‌ای از دانشمندان در صدد تفسیر آن برآمدند. در این میان برخی جهت آگاهی مفسران از روش‌ها و مبانی صحیح تفسیر قرآن، دست به تألیف کتبی در این زمینه زده‌اند. ایشان معتقد هستند که هر مفسری که می‌خواهد دست به تفسیر قرآن بزند باید به اصول، مبانی و مراحل آن آگاهی داشته باشد تا به راه خطا و اشتباه نرود. برخی از این اصول به این قرار است: مبانی تفسیر، قواعد تفسیر، منابع تفسیر، علوم مورد نیاز مفسر، شرایط مفسر و شیوه‌های تفسیر.

در زمینه اصول تفسیر قرآن (روش‌شناسی تبیین مراحل تفسیر اجتهادی)، تحقیقات بسیاری انجام گرفته است اما متأسفانه به دلیل مشخص و منقح نبودن زوایای روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر قرآن برای برخی از آن نویسندگان، کتب آنها از نقاط ضعف، کاستی‌ها و کجروی‌های غیرقابل قبولی مصون نمانده است. همین مسأله ما را بر آن داشت تا به بررسی برخی از این کتب که در این زمینه نوشته شده‌اند پردازیم. کتبی<sup>۱</sup> که ما در این مقاله به بررسی و نقد آنها می‌پردازیم عبارتند از: (۱) الإعجاز العلمي والعددی فی المیزان (خالد بن عثمان السبت)؛ (۲) الفوز الکبیر فی أصول التفسیر (ولی الله دهلوی)؛ (۳) القول المنیر فی علم اصول التفسیر (اسماعیل عثمان زین الیمنی)؛ (۴) النظم الحبر فی علوم القرآن وأصول التفسیر (سعود بن إبراهیم الشّریم)؛ (۵) مناهج المفسرین (صالح آل شیخ)؛ (۶) فصول فی أصول التفسیر (مسعود بن سلیمان)؛ (۷) مقدمة التفسیر لابن قاسم (عبد الرحمن بن محمد بن قاسم الحنبلی)؛ (۸) مقدمة فی أصول التفسیر (ابن تیمیة حرانی)؛ (۹) نحو تفسیر علمی للقرآن (احمد الوائلی)؛ (۱۰) من الاتجاهات المنحرفة فی التفسیر (جمال ابو حسان).

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت اثری که تاکنون نقد و بررسی روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در کتب اصول تفسیر قرآن را مورد بحث و مذاقه قرار داده باشد، یافت نشد.

## ۲- بررسی و نقد روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در مهمترین کتب اصول تفسیر قرآن

از جمله کتب اصول تفسیر قرآن که در این پژوهش به نقد و بررسی روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن در آنها می‌پردازیم عبارتند از:

## ۲-۱- کتاب الإعجاز العلمي والعددی فی المیزان (خالد بن عثمان السبت)

فهرست کتاب ایشان بدین شرح است:

## ۱- مقدمة سلسلة الإعجاز العلمي والعددی فی المیزان

- ۱-۱- الملاحظة الأولى؛ ۲-۱- الملاحظة الثانية؛ ۳-۱- الملاحظة الثالثة؛ ۴-۱- الملاحظة الرابعة؛ ۵-۱- الملاحظة الخامسة؛ ۶-۱- الملاحظة السادسة؛ ۷-۱- الملاحظة السابعة.

<sup>۱</sup> همه کتب به جز [نحو تفسیر علمی للقرآن (احمد الوائلی)] از نرم افزار مکتبه الشاملة استخراج شده‌اند.

## ۲- هسته مرکزی - اصل بحث:

التفسير العلمي و الإعجاز العلمي و ما يسمى بالإعجاز العددي، سأجعل هذا الحديث على عشر نقاط

۱-۲- الأولى: في التعريفات؛ ۲-۲- الثانية: في الجذور التاريخية للتفسير العلمي و الإعجاز العلمي؛ ۳-۲- الثالثة: في بواغث هؤلاء في هذا الاشتغال بالتفسير العلمي؛ ۴-۲- الرابعة: في أقوال الباحثين عموماً من المؤيدين و من المخالفين؛ ۵-۲- الخامسة: في حكمه؛ ۶-۲- السادسة: في شروط قبوله؛ ۷-۲- السابعة: في أصناف المشتغلين به؛ ۸-۲- الثامنة: الاتجاهات في التفسير العلمي؛ ۹-۲- التاسعة: أهم المؤلفات المغرقة و الموهلة فيه؛ ۱۰-۲- العاشرة: في محاسنه. ايشان ابتدا هفت نکته را که حاوی کلیات موضوع هستند می‌آورد سپس در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «سنتحدث في هذه السلسلة عن جملة من الموضوعات المتعلقة بالتفسير العلمي، والإعجاز العلمي، و ما يسمى بالإعجاز العددي. ثم بعد ذلك سأحدث عن موضوعات أخرى كالأمثال في القرآن، و القسم في القرآن و القصص القرآنية، و ترجمة معاني القرآن، و أسأل الله - عز وجل - أن ييسر لي دراسة هذه الموضوعات» (السبت، بی تا: ۱) ما درباره موضوعاتی که متعلق به تفسیر علمی و اعجاز علمی هستند صحبت خواهیم کرد سپس درباره موضوعات دیگری مانند مثال‌ها در قرآن، سوگند در قرآن و داستان‌های قرآنی و ترجمه معانی قرآن گفتگو خواهیم کرد

## نقد و بررسی

با توجه به پیوست شماره ۲ این تحقیق، همة مطالب ايشان زیر مجموعه علوم قرآن قرار می‌گیرند و مطلبی درباره اصول تفسیر قرآن (روش‌شناسی و تبیین مراحل اجتهادی) ندارد و متأسفانه ايشان از شاخه‌ای به شاخه دیگر رفته است با توجه به عنوان کتاب، باید فقط در زمینه اعجاز قرآن بحث می‌کردند اما مشاهده می‌شود که درباره ترجمه قرآن و ترجمه معانی قرآن نیز صحبت به میان آورده‌اند که ربطی به بحث کتاب ندارد. اما درباره خود موضوع که اعجاز علمی و عددی قرآن است می‌توان گفت بحث خوبی ارائه کرده‌اند.

## ۲-۲- کتاب الفوز الكبير في أصول التفسير (ولی الله دهلوی)

### مقدمه علم التفسير

### هسته مرکزی - اصل بحث:

۱- الباب الاول في بيان العلوم الخمسة التي يدل عليها القرآن العظيم نصاً و كأن نزول القرآن بالاتصاله كان لهذا الغرض

### ۱-۱- علم

۱-۲- العقائد الثابتة لدى المشركين وانحرافهم عنها؛ ۳-۱-۴- معنى التشبيه وصوره؛ ۵-۳-۱- الجدل القرآني مع المشركين؛ الاحكام؛ ۲-۱- علم الجدل؛ ۳-۱- علم التذكير بآلاء الله؛ ۴-۱- علم التذكير بأيام الله؛ ۵-۱- علم التذكير بالموت و ما بعد الموت.

### ۲-۱- حقيقة أسباب النزول

### ۳-۱- الفصل الأول في علم الجدل

۱-۳-۱- شعائر الملة الإبراهيمية؛ ۶-۳-۱- الرد على التشبيه؛ ۷-۳-۱- الرد على استبعاد القيامة؛ ۸-۳-۱- الجدل القرآني مع اليهود.

### ۴-۱- الفصل الثاني في بقية العلوم الخمسة

۱-۴-۱- إثبات الخالق في القرآن؛ ۲-۴-۱- إثبات الخالق في القرآن؛ ۳-۴-۱- أسلوب القرآن في بيان آلاء الله؛ ۴-۴-۱- حكمة هذا الأسلوب القرآني؛ ۵-۴-۱- ظاهرة التكرار في القصص القرآني؛ ۶-۴-۱- غرض القصة في القرآن؛ ۷-۴-۱- حقيقة الصغائر والكبائر؛ ۷-۴-۱- نوع من التذكير بأيام الله.

- ٢- الباب الثاني في بيان وجوه الدقة و الخفاء في معاني نظم القرآن الكريم و تناسبه بالنسبة لأهل هذا العصر
- ١-٢ موقف الشارع من المتشابهات؛ ٢-٢ أسباب صعوبة فهم المراد من الكلام؛ ٣-٢ الفصل الأول في بحث غريب القرآن
- ٤-٢ الفصل الثاني في مبحث الناسخ و المنسوخ؛ ١-٤-٢ معنى النسخ عند المتقدمين؛ ٢-٤-٢ سعة مجال النسخ عند المتقدمين؛ ٣-٤-٢ معنى النسخ عن المتأخرين.
- ٥-٢ الفصل الثالث في أسباب النزول
- ١-٥-٢ صعوبة موضوع أسباب النزول؛ ٢-٥-٢ شروط المفسر في باب أسباب النزول؛ ٣-٥-٢ عرض بعض الآيات في صورة السؤال والجواب؛ ٤-٥-٢ إفراط محمد بن إسحاق الكلبي.
- ٦-٢ الفصل الرابع في بقية مباحث هذا الباب
- ١-٦-٢ الحذف؛ ٢-٦-٢ التحقيق الدقيق في كلمة إذ؛ ٣-٦-٢ الإبدال؛ ٤-٦-٢ التقديم والتأخير؛ ٥-٦-٢ الزيادة بالتكرار؛ ٦-٦-٢ زيادة حرف الجر؛ ٧-٦-٢ فاء الاتصال؛ ٨-٦-٢ معاني الخير والشر.
- ٧-٢ الفصل الخامس في المحكم و المتشابه و الكناية و التعريض و المجاز العقلي
- ١-٧-٢ تعريف المحكم؛ ٢-٧-٢ تعريف الكناية وأمثلةها؛ ٣-٧-٢ البيان بالإشارة الحسية؛ ٤-٧-٢ تعريف التعريض؛ ٥-٧-٢ تعريف المجاز العقلي.
- ٣- الباب الثالث في أسلوب القرآن البديع
- ١-٣ الفصل الأول في ترتيب القرآن الكريم وأسلوب السور فيه؛ ١-١-٣ القرآن في عهد أبي بكر وعمر رضي الله عنهما
- ٢-١-٣ تنوع استهلال السور ومحتوياتها؛ ٣-١-٣ أسلوب خواتم السور.
- ٢-٣ الفصل الثاني في تقسيم السور إلى الآيات وأسلوبها الفريد
- ١-٢-٣ بين الآيات والأبيات؛ ٢-٢-٣ السر في توافق أجزاء الكلام؛ ٣-٢-٣ عروض العرب؛ ٤-٢-٣ أوزان الهنود؛ ٥-٢-٣ متعة الناس بالأصوات المطربة والأغام الحلوة؛ ٦-٢-٣ فواصل الآيات القرآنية؛ ٧-٢-٣ خاتمة النفس هي القافية؛ ٨-٢-٣ السر في انسجام الآيات القصيرة مع الطويلة.
- ٣-٣ الفصل الثالث في ظاهرة التكرار في القرآن الكريم
- ١-٣-٣ سر تكرار التلاوة.
- ٤-٣ الفصل الرابع في ترتيب مباحث القرآن الكريم
- ١-٤-٣ حكمة الدعوة والعرض.
- ٥-٣ الفصل الخامس في وجوه الإعجاز في القرآن الكريم
- ١-٥-٣ إعجاز الأسلوب؛ ٢-٥-٣ إعجاز البلاغة العالية؛ ٣-٥-٣ تنوع الأساليب البيانية؛ ٤-٥-٣ إعجاز التشريع القرآني.
- ٤- الباب الرابع في بيان فنون التفسير وحل الخلافات الواقعة
- ١-٤ في تفاسير الصحابة والتابعين
- ٢-٤ الفصل الأول في أصناف المفسرين ومناهج تفسيرهم
- ١-٢-٤ تفسير المحدثين؛ ٢-٢-٤ تفسير المتكلمين؛ ٣-٢-٤ تفسير الفقهاء الأصوليين؛ ٤-٢-٤ تفسير النحاة اللغويين؛ ٥-٢-٤

تفسیر الأدباء البارعين؛ ۶-۲-۴- تفسیر الصوفية المتسکين.

۳-۴- الفصل الثاني في بيان الآثار المروية في تفاسير أصحاب الحديث من المفسرين وما يتعلق بها من مهمات  
 ۱-۳-۴- القسم الثاني من أسباب النزول أمر اجتهادي؛ ۲-۳-۴- موقف بعض قدماء المفسرين من التعريضات في الآيات؛ ۳-۳-۴-  
 تفسير القرآن بالقرآن؛ ۴-۳-۴- شرح غريب القرآن؛ ۵-۳-۴- الناسخ والمنسوخ؛ ۶-۳-۴- غموض في روايات الناسخ و المنسوخ.  
 ۴-۴- الفصل الثالث في بقية لطائف هذا الباب  
 ۱-۴-۴- استنباط الأحكام وأقسامه العشرة؛ ۲-۴-۴- كلام الصحابة في التوجيه؛ ۳-۴-۴- حقيقة التوجيه؛ ۵-۴-۴- التوجيه في القرآن؛  
 ۶-۴-۴- ومن فنون التوجيه وأنواعه؛ ۷-۴-۴- غلو المتكلمين؛ ۸-۴-۴- تدافع في نحو القرآن؛ ۹-۴-۴- إشارات الصوفية؛ ۱۰-۴-۴-  
 الاعتبار والاستشهاد.

۵-۴- الفصل الرابع في غرائب القرآن الكريم

۱-۵-۴- تنوع غرائب القرآن؛ ۲-۵-۴- غرائب الأحكام؛ ۳-۵-۴- غرائب الجدل القرآني.

۶-۴- الفصل الخامس في ظهر القرآن و بطنه

۱-۶-۴- تأويل قصص الأنبياء؛ ۲-۶-۴- ترجمة القرآن بالفارسية؛ ۳-۶-۴- خواص القرآن.

آقای دهلوی در مقدمه اصول التفسیر خود ادعا می‌کند که: «وأنهم لو قضوا أعمارهم في مطالعة كتب التفسير، أو قراءتها على المفسرين، لا يظفرون بهذه القواعد و الأصول بهذا الضبط و التناسق» (دهلوی، ۱۴۰۷: ۲۸)؛ اگر [طالبان علم اصول تفسیر] تمام عمر خود را در مطالعه کتب تفسیر سپری کنند نمی‌توانند به این قواعد و اصول با چنین دقت و نظمی دسترسی پیدا کنند. با بررسی محتوای کتاب ببینیم آیا ادعای ایشان درست است یا خیر؟ عنوان کتاب «الفوز الكبير في اصول التفسير» است که در صدد تبیین اصول تفسیر است.

الباب الأول: في العلوم الخمسة التي يدل عليها القرآن الكريم نصاً.

الباب الثاني: في وجوه خفاء نظم القرآن بالنسبة إلى أفهام أهل هذا العصر.

الباب الثالث: في بيان لطائف نظم القرآن، و الأسلوب القرآني البديع.

الباب الرابع: في مناهج التفسير، و بيان أسباب الاختلاف و وجوهه في تفسير الصحابة و التابعين.

الباب الخامس: في بيان غريب القرآن، و أسباب النزول.

#### نقد و بررسی

با نگاه به پیوست شماره ۲، باب اول و دوم ایشان در قسمت «فهم و زبان قرآن» که خود زیر مجموعه «علوم قرآن» است جای می‌گیرد و باب سوم در بخش «اعجاز قرآن»، باب چهارم در قسمت «مفسر و فرقه‌های آن» و باب پنجم در قسمت «تاریخ قرآن» قرار می‌گیرد. با توجه به پیوست شماره ۲، متأسفانه هیچ کدام از مباحث این کتاب ربطی به «اصول تفسیر قرآن» و روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن ندارد!

۳-۲- القول المنير في علم أصول التفسير (اسماعيل عثمان زين اليمنى)

۱- زندگی‌نامه مؤلف

۲- الدرس الأول: تعريف علم أصول التفسير، موضوعه، استمداده، واضعه و أول من ألف فيه من العلماء الأعلام

۳- الدرس الثاني: أسماء القرآن، و معنى السورة والآية

۴- الدرس الثالث (فائدة): ينقسم القرآن إلى فاضل و مفضل

هسته مرکزی - اصل بحث:

۵- الدرس الرابع: في معرفة المكي والمدني

۶- الدرس الخامس: معرفة الحضري والسفري

۷- الدرس السادس: في النهاري والليلي والفراسي

۸- الدرس السابع: معرفة الصيفي والشتائي في التنزيل

۹- الدرس الثامن: في أول ما نزل وآخر ما نزل من القرآن الكريم

۱۰- الدرس التاسع: معرفة سبب النزول

۱۱- الدرس العاشر: في المتواتر والمشهور والآحاد والشاذ من القراءات

۱۲- الدرس الحادي عشر: في القراءات الواردة عن النبي صلى الله عليه و [آله و] سلم أنه قرأ بها

۱۳- الدرس الثاني عشر: فيمن اشتهر من الصحابة والتابعين رضوان الله عليهم بحفظ القرآن الكريم وإقرائه

۱۴- الدرس الثالث عشر: وقوع المعرب والغريب في القرآن الكريم

۱۵- الدرس الرابع عشر: المشترك والمرادف

۱۶- الدرس الخامس عشر: في مباحث المعاني المتعلقة بأحكام القرآن الكريم

۱-۱۶- العموم

۱-۱۶- أحدها العموم المطلق؛ ۱-۱۶-۲- ثانيها العام المخصوص بمخصص متصل أو منفصل؛ ۱-۱۶-۳- ثالثها العام الذي أريد به

خاص.

۱۷- الدرس السادس عشر: ما خصص من الكتاب بالسنة وما خص من السنة بالكتاب

۱۸- الدرس السابع عشر: فيما ورد من النسخ والمنسوخ في القرآن الكريم

۱۹- الدرس الثامن عشر: في المجمل والمبين من القرآن الكريم

۲۰- الدرس التاسع عشر: المطلق والمقيد

۲۱- الدرس العشرون: آداب تلاوة القرآن الكريم

مؤلف كتاب القول المنير در مقدمة كتاب خود می گوید: «فقد طلب مني بعض رواد العلم والدين بمكة المكرمة المهتمين بدراسة (تفسير القرآن الكريم) أن أتحديث إليهم في (علم أصول التفسير) بما يشتمل على المهم من مباحثه التي لا بد لطلابه من الوقوف عليها، فأجبتهم إلى ما طلبوا، و حررت هذه الرسالة متوخيا فيها الإيجاز مع الإيضاح والبيان، و الإلمام بأهم المباحث التي يلزم طلاب العلم الوقوف عليها» (زين اليمنى، بی تا: ۸) برخی از طالبان دانش و دین در مکه مکرمه که به درس (تفسیر قرآن کریم) همت دارند از من درخواست کردند که درباره (علم اصول تفسیر) و آنچه در مباحث آن مهم است و ناگزیر باید آن را یاد بگیرند با آنها گفتگو و بحث کنم و من نیز خواسته آنان را اجابت کردم و این کتاب که در آن ایجاز و توضیح و مهم ترین مطالبی که یک دانشجو در این زمینه مورد به آن محتاج است را گردآوری کردم).

## نقد و بررسی

اکنون با توجه به مقدمه مؤلف در القول المنیر می‌بینیم که آیا مؤلف توانسته ادعای خود را که در مقدمه بیان داشته است جامه عمل بپوشاند و مطالب مهم و اصلی اصول و مراحل تفسیر اجتهادی قرآن را در کتاب خود بگنجاند؟ با عنایت به پیوست شماره ۲، و با توجه به عناوین، فهرست و محتوای کتاب، متأسفانه مطالب کل دروس و محتوای کتاب ایشان مربوط به تاریخ قرآن است نه مبانی و مراحل تفسیر اجتهادی قرآن، بنابراین عنوان کتاب با معنوی آن مطابقت نمی‌کند. ایشان اگر نام کتاب‌شان را «القول المنیر فی علم تاریخ القرآن» می‌گذاشتند مناسب‌تر بود!

## ۲-۴- النظم الحبر فی علوم القرآن و أصول التفسیر (سعود بن إبراهیم الشریم)

### ۱- مقدمة

هسته مرکزی - اصل بحث:

۱- فصل فی الوحی؛ ۲-۱- تعریف القرآن و أسماؤه؛ ۳-۱- نزول القرآن؛ ۴-۱- معرفة أول ما نزل و آخر ما نزل؛ ۵-۱- المکی و المَدَنی؛ ۶-۱- أسباب النزول؛ ۷-۱- حفاظ القرآن من الصحابة رضي الله عنهم؛ ۸-۱- کتاب الوحی؛ ۹-۱- جمع القرآن الکریم؛ ۱۰-۱- الأحرف السبعة؛ ۱۱-۱- سور القرآن و آیاته؛ ۱۲-۱- المحکم و المتشابه فی القرآن؛ ۱۳-۱- المتشابه فی آیات الصفات؛ ۱۴-۱- الإعجاز فی القرآن؛ ۱۵-۱- أمثال القرآن؛ ۱۶-۱- أقسام القرآن.

### ۲- اصول التفسیر

۱-۲- مصادیر التفسیر و أنواعه؛ ۲-۲- شروط المفسر؛ ۳-۲- أسباب الاختلاف فی التفسیر؛ ۴-۲- أساليب التفسیر.

### ۳- الختام

همان گونه که از نام کتاب بر می‌آید - النظم الحبر فی علوم القرآن و أصول التفسیر - این کتاب، «علوم قرآن» و «اصول تفسیر» را به نظم در آورده است. ایشان در مقدمه منظوم خود می‌گوید:

عِلْمُ الْقُرْآنِ أَشْرَفُ الْعِلْمِ      فَهَذَا حَدُّ جُمْلَةِ الْمَوْسُومِ  
وَهِيَ: عِبَارَةٌ تُفِيدُ السَّائِلَا      وَ تَبْحَثُ النَّزُولَ وَالْمَسَائِلَا  
وَهَاكَذَا الْأَحْوَالُ فِي الْقُرْآنِ      وَ كَيْفَ ذَا الْأَدَاءِ بِاللِّسَانِ (الشَّریم،

۱۴۲۲ق: ۱)

(علم قرآن شریف‌ترین علوم است، پس معنی مجمل را برای علوم قرآنی که در ادامه می‌آید بگیر. و آن عبارتی است که مفید سؤال کننده است و درباره کیفیت نزول قرآن و مسائلی در این باره بحث می‌کند. و همچنین احوالات در قرآن و چگونگی ادای آنها را بر زبان بیان می‌دارد).

## نقد و بررسی

این کتاب بنا به گفته مؤلف و با توجه به فهرست آن، علاوه بر اینکه عهددار مباحث «علوم قرآن» است عهددار «اصول تفسیر» نیز هست. پس به بررسی مطالب گفته شده در مقدمه و فهرست می‌پردازیم.

در بخش مقدمه کتاب، همه مطالب به قسمت «تاریخ قرآن» مربوط است به جز «۱۲-۱- المحکم و المتشابه فی القرآن؛ ۱۳-۱- المتشابه فی آیات الصفات؛ ۱۴-۱- الإعجاز فی القرآن؛ ۱۵-۱- أمثال القرآن؛ ۱۶-۱- أقسام القرآن» که مربوط به «اعجاز قرآن» است

و «اعجاز قرآن» نیز زیر مجموعه «علوم قرآن» می‌باشد. بنابراین در این قسمت به نوعی در هم ریختگی و اختلاط مباحث مشاهده می‌شود.

در قسمت «اصول تفسیر» که یک بابی را به خود اختصاص داده است مشاهده می‌کنیم که «۱-۲- مَصَادِرُ التَّفْسِيرِ وَأَنْوَاعُهُ» مربوط به «انواع تفسیر»؛ «۲-۲- شُرُوطُ الْمُفَسِّرِ» مربوط به «حالات مفسر» و «۳-۲- أَسْبَابُ الْاِخْتِلَافِ فِي التَّفْسِيرِ» مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر»، که همه این سه مورد، زیر مجموعه بخش «مفسر» است.

مباحث «۴-۲- أَسَالِبُ التَّفْسِيرِ» مربوط به «انواع تفسیر» که زیر مجموعه «تفسیر» است می‌باشد. نتیجه می‌گیریم که با توجه به عنوان کتاب، فقط مطالب بخش «علوم قرآنی»، آن هم به صورت موجز در کتاب موجود است. اما این کتاب متأسفانه در هیچ جای آن بحثی مربوط به «اصول تفسیر قرآن» و «روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن» را ندارد.

**۲-۵- مناهج المفسرين (صالح آل شیخ)**

#### ۱- مقدمة

#### ۲- طريقة معرفة مناهج المفسرين

۱-۲- الطريق الأول: أن ينص المفسر على شرطه في التفسير في أول؛ ۲-۲- الطريق الثاني: أن يعلم شرطه في التفسير و يعلم المنهج عن طريق الاستقراء.

هسته مرکزی - اصل بحث:

#### ۳- اتجاهات مدرسة التفسير بالرأي

۱-۳- القسم الأول: الذين فسروا القرآن بالرأي الناشئ عن هوى كما فسرت المعتزلة والخوارج و... بأرائهم وأهوائهم؛ ۲-۳- القسم الثاني: من مدرسة التفسير بالرأي الذين فسروا القرآن بالاجتهاد والاستنباط.

#### ۳-۲-۱- شروط جواز التفسير بالاجتهاد والاستنباط

۳-۲-۱-۱- الشرط الأول: عالما بعقيدة السلف؛ ۳-۲-۱-۲- الشرط الثاني: عالما بالقرآن؛ ۳-۲-۱-۳- الشرط الثالث: عالما بالسنة؛

۳-۲-۱-۴- الشرط الرابع: أن يكون عالما بأقوال الصحابة؛ ۳-۲-۱-۵- الشرط الخامس: أن يكون عالما بأحوال العرب؛ ۳-۲-۱-۶- الشرط السادس: أن يكون عالما باللغة العربية.

#### ۴- مدارس تفسير الرأي

۴-۱- المدرسة الأولى: فسرت القرآن بالنظر إلى العقائد؛ ۴-۲- المدرسة الثانية: المنتمية إلى مدرسة التفسير بالرأي مدرسة التفسير

الموسوعي؛ ۴-۳- المدرسة الثالثة: التفاسير اللغوية؛ ۴-۴- المدرسة الرابعة: التفاسير الفقهية.

صالح آل شیخ در مقدمه کتابش «مناهج المفسرين» می‌نویسد: «فهذه الدورة متخصصة في التفسير و علوم القرآن و إن من مباحث هذه الدورة الكلام على مناهج المفسرين و الكلام على مناهج المفسرين مهم، لأن التفاسير لكتاب الله جلّ و علا كثرت جدًا حتى بلغت أكثر من مائة من التفاسير الموجودة بين أيدينا اليوم، و التفاسير المفقودة كثيرة و التي لم تطبع أيضا كثيرة و هكذا فلا بدّ لطالب العلم الذي يحرص على معرفة معاني كلام الله جلّ و علا أن يعلم مناهج أولئك المفسرين و طرائقهم حتى إذا راجع تفسيراً لأحد أولئك يعلم مع ما يتميز به ذلك التفسير و يعلم منهج المؤلف حتى لا يضيع بين كثرة التفاسير.

منهج أو مناهج المفسرين المقصود بها الطرائق و الخصائص التي يتميز بها التفسير و المناهج جمع منهج و المنهج و النهج هو

الطریق الملتزم یعنی آن مناهج المفسرین هي الطرق و الشروط التي اتبعوها في تفاسيرهم و هذه المناهج متنوعة متعددة و المفسرون منهم من يذكر شرطه في تفسيره و منهم من لا يذكر ذلك فإذا كانت المناهج هي الطرق التي سلكها المفسر في تفسيره فأصبحت قواعد له في التفسير أو أصبحت مميزات و خصائص له في تفسيره» (آل شیخ، بی تا: ۱) پس این مجموعه، مخصوص و ویژه تفسیر و علوم قرآن و از مباحث این مجموعه سخن پیرامون راه‌ها و شیوه‌های مفسران است و سخن درباره راه‌های مفسران، مهم است. زیرا تفاسیر برای قرآن کریم واقعاً بسیار است به گونه‌ای که تعداد آنها اکنون از صدها تفسیر افزون است که در بین ما موجود است و تفاسیری که از بین رفته‌اند نیز بسیارند بنابراین طلاب علم که خواهان دانستن معانی کلام خداوند در قرآن کریم هستند باید شیوه‌های این مفسران و راه‌های آنها را بدانند تا وقتی که به یکی از این تفاسیر مراجعه می‌کند بداند که ویژگی این تفسیر چیست؟ و شیوه مؤلف را بداند تا در بین این همه تفاسیر بیراهه نرود.

### نقد و بررسی

مقصود از منهج یا مناهج مفسران، راه‌ها و ویژگی‌هایی است که با آن ویژگی‌ها، تفسیر شناخته می‌شود. «مناهج» جمع «منهج» است و «منهج» و «التَّهَجُّج» آن مسیر تعهد شده است. یعنی «مناهج مفسران» همان مسیر و شروطی است که مفسران آن را در تفاسیرشان پذیرفته و قبول کرده‌اند. این مناهج، مختلف و متعدد هستند. برخی از مفسران شرایط خود را در تفسیرشان متذکر می‌شوند و برخی بیان نمی‌کنند. اگر شیوه‌ها و مناهج تفسیری همان مسیری هستند که مفسر در تفسیرش آنها را به کار گرفته است پس قاعده و ملاک یا ویژگی‌ها و خصوصیات در تفسیر او به حساب می‌آیند.

بنابراین با توجه به مقدمه فوق‌الذکر، آل شیخ در این کتاب درصدد ارائه شیوه، ملاک و اصولی برای شناختن تفاسیر است. در این نقد ما در پی این هستیم که بدانیم آیا ایشان ملاک‌ها و اصول اصلی تفسیر اجتهادی قرآن را با توجه به پیوست شماره ۲، مناسب و صحیح نشان داده و معرفی کرده است؟

ایشان در «۱-۲-۳- شروط جواز التفسير بالاجتهاد والاستنباط» مواردی را آورده‌اند که مربوط به علوم مورد نیاز مفسر است که این موارد زیر مجموعه مفسر هستند و ارتباطی به موضوعات اصلی روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن ندارند.

در قسمت «۴- مدارس تفسیر الرأی» ایشان فرقه‌هایی را نام می‌برد و توضیح می‌دهد که مفسران آنها، قرآن را بر اساس رأی خود تفسیر کرده‌اند. که این بخش با توجه به همان پیوست، در قسمت «محور و فرقه‌های مفسران» که خود زیر مجموعه «مفسر» است جای می‌گیرد. بنابراین متأسفانه عنوان کتاب با آنچه که مؤلف در مقدمه کتابش درصدد ارائه آن بود یکسان نیست. با توجه به بخش «مدارس تفسیر الرأی» که حجم بیشتری از مطالب کتاب را به خود اختصاص داده است مناسب بود مؤلف، کتابش را «مدارس تفسیر الرأی» (فرقه‌های تفسیر به رأی) نامگذاری می‌کرد.

## ۲-۶- فصول في أصول التفسير (مساعد بن سليمان)

### ۱- مقدمة

#### ۱-۱- تمهید

#### ۲- أصول التفسير

#### ۱-۲- الأصل في اللغة؛ ۲-۲- التفسير في اللغة و الاصطلاح.

#### ۳- مراجع أصول التفسير

- ١-٣- کتب مصدرة باسم (أصول التفسير)؛ ٢-٣- مقدمات المفسرين؛ ٣-٣- کتب علوم القرآن؛ ٤-٣- استقراء کتب التفاسیر.
- هسته مرکزی - اصل بحث:
- ٤- موضوعات أصول التفسير
- ١-٤- حکم التفسير وأقسامه
- ١-١-٤- باعتبار معرفة الناس له؛ ٢-١-٤- باعتبار طريق الوصول إليه؛ ٣-١-٤- باعتبار أساليبه؛ ٤-١-٤- باعتبار اتجاهات المفسرين فيه.
- ٥- طرق التفسير
- ١-٥- أولاً: تفسير القرآن بالقرآن
- ١-١-٥- بيان المجمل؛ ٢-١-٥- تقييد المطلق؛ ٣-١-٥- تخصيص العام؛ ٤-١-٥- تفسير المفهوم من آية بآية أخرى؛ ٥-١-٥- تفسير لفظة بلفظة؛ ٦-١-٥- تفسير معنى بمعنى؛ ٧-١-٥- تفسير أسلوب قرآني في آية بآية أخرى.
- ٢-٥- ثانياً: تفسير القرآن بالسنة النبوية
- ١-٢-٥- أن ينص على تفسير آية أو لفظة؛ ٢-٢-٥- أن يشكل على الصحابة فهم آية فيفسرها لهم؛ ٣-٢-٥- أن يذكر في كلامه ما يصلح أن يكون تفسيراً للآية؛ ٤-٢-٥- أن يتأول القرآن.
- ٣-٥- ثالثاً: تفسير القرآن بأقوال الصحابة
- ١-٣-٥- اسباب الرجوع الى تفسيرهم
- ٢-٣-٥- مصادرهم في التفسير
- ١-٢-٣-٥- القرآن الكريم؛ ٢-٢-٣-٥- السنة النبوية؛ ٣-٢-٣-٥- اللغة العربية؛ ٤-٢-٣-٥- أهل الكتاب؛ ٥-٢-٣-٥- الفهم والاجتهاد.
- ٣-٣-٥- حکم تفسير الصحابي
- ٤-٥- رابعاً: تفسير القرآن بأقوال التابعين
- ١-٤-٥- اسباب الرجوع الى تفسيرهم
- ٢-٤-٥- مصادرهم في التفسير
- ١-٢-٤-٥- القرآن الكريم؛ ٢-٢-٤-٥- السنة النبوية؛ ٣-٢-٤-٥- الصحابة؛ ٤-٢-٤-٥- اللغة؛ ٥-٢-٤-٥- أهل الكتاب؛ ٦-٢-٤-٥- الفهم والاجتهاد.
- ٣-٤-٥- حکم تفسير التابعي
- ٤-٤-٥- تنبيهات حول تفسير الصحابة و التابعين
- ٥-٥- خامساً: تفسير القرآن باللغة
- ١-٥-٥- سبب الرجوع الى التفسير باللغة
- ٢-٥-٥- ضوابط التفسير باللغة
- ١-٢-٥-٥- أن تكون اللفظة المفسرة صحيحة في اللغة؛ ٢-٢-٥-٥- أن يفسر القرآن بالأغلب من لغة العرب؛ ٣-٢-٥-٥- أن يراعي السياق؛ ٤-٢-٥-٥- أن تعرف ملابسات النزول وقصص الاية؛ ٥-٢-٥-٥- تقدم المعنى الشرعي على اللغوي عند التعارض.
- ٣-٥-٥- تنبيهات حول تفسير القرآن باللغة

۶-۵- سادساً: التفسير بالاجتهاد والرأي

۶-۵-۱- طرق التفسير

۶-۵-۱-۱- تفسير القرآن بالقرآن؛ ۶-۵-۱-۲- تفسير القرآن بالسنة؛ ۶-۵-۱-۳- تفسير القرآن بأقوال الصحابة؛ ۶-۵-۱-۴- تفسير القرآن بأقوال التابعين؛ ۶-۵-۱-۵- تفسير القرآن باللغة؛ ۶-۵-۱-۶- تفسير القرآن بالرأي والاجتهاد.

۶- التفسير بالمأثور

۶-۱- اختلاف السلف في التفسير

۶-۱-۱- تعريف اختلاف التنوع واختلاف التضاد

۶-۱-۲- أنواع اختلاف التنوع؛ ۶-۱-۳- أسباب الاختلاف في تفسير السلف.

۶-۱-۴- من أسباب الاختلاف بين مفسري السلف

۶-۱-۴-۱- الاشتراك؛ ۶-۱-۴-۲- الاختلاف في مفسر الضمير؛ ۶-۱-۴-۳- أن يكون في الجملة حذف؛ ۶-۱-۴-۴- أن تحتل اللفظة أكثر من تصريح؛ ۶-۱-۴-۵- تنوع الاستعمال العربي للفظ؛ ۶-۱-۴-۶- أن يدور حكم الآية بين الإحكام والنسخ؛ ۶-۱-۴-۷- أن يدور حكم الآية بين العموم والخصوص؛ ۶-۱-۴-۸- أن يذكر الوصف المحتمل لأكثر من موصوف؛ ۶-۱-۴-۹- أن يكون في الآية حرف له قراءتان.

۶-۲- الإجماع في التفسير

۶-۳- الأصول التي يدور عليها التفسير

۶-۳-۱- أولاً: التفسير على اللفظ؛ ۶-۳-۲- ثانياً: التفسير على المعنى؛ ۶-۳-۳- ثالثاً: التفسير على الإشارة والقياس.

۶-۴- طريقة السلف في التفسير

۶-۵- أقسام التفسير

۶-۵-۱- باعتبار معرفة الناس له؛ ۶-۵-۲- باعتبار طرق الوصول إليه؛ ۶-۵-۳- باعتبار أساليبه؛ ۶-۵-۴- باعتبار اتجاهات المفسرين فيه.

۶-۶- توجيه أقوال السلف

۶-۷- قواعد التفسير

۶-۷-۱- أولاً: القواعد العامة؛ ۶-۷-۲- ثانياً: القواعد الترجيحية.

۶-۷-۲-۱- طريقة المفسرين في عرض التفاسير المنقولة

۷- كليات القرآن

۷-۱- أولاً: كليات الألفاظ؛ ۷-۲- ثانياً: كليات الأسلوب.

۸- توجيه القراءات وأثره في التفسير

۹- المراجع

نقد و بررسی

مساعد بن سليمان در مقدمة كتابش می نویسد: «فإنني قد اخترت بعض المباحث التي رأيت أنها ألصق بهذا العلم [اصول التفسير]، اجتهدت في تحرير مسائلها على ما يأذن به الله ... لأن المراد بيان مسائل هذا العلم وإيضاحها» (بن سليمان، ۱۴۲۳ق: ۱۴)؛ من

برخی مباحث که به این علم [اصول تفسیر] مناسب‌تر بود را اختیار کردم و به اذن خداوند تلاش کردم و مسائل آن را نوشتم ... زیرا هدف [از نوشتن این کتاب] بیان مسائل و توضیح این علم [اصول تفسیر] است.

اکنون با توجه به مقدمه کتاب و عنوان آن «فصول فی اصول التفسیر»، می‌خواهیم ببینیم که آیا مؤلف در نیل به این هدف موفق بوده است یا در حواشی این علم [اصول تفسیر] قلم زده است و متعرض اساس بحث نشده است؟ ایشان در بخش «۴- موضوعات أصول التفسیر؛ ۴-۱- حکم التفسیر و أقسامه» این موارد را ذکر می‌کند: «۴-۱-۱- باعتبار معرفة الناس له؛ ۴-۱-۲- باعتبار طريق الوصول إليه؛ ۴-۱-۳- باعتبار أساليبه؛ ۴-۱-۴- باعتبار اتجاهات المفسرين فيه». یعنی کسانی که با توجه به سطح و استعدادشان مراد خدای تعالی می‌فهمند. با توجه به پیوست شماره ۲، این بخش مربوط به فهم و زبان قرآن است که زیر مجموعه علوم قرآن قرار می‌گیرد.

در قسمت «۵- طرق التفسیر» این موارد را ذکر می‌کند: «۵-۱- أولاً: تفسیر القرآن بالقرآن؛ ۵-۲- ثانياً: تفسیر القرآن بالسنة النبوية؛ ۵-۳- ثالثاً: تفسیر القرآن بأقوال الصحابة؛ ۵-۴- رابعاً: تفسیر القرآن بأقوال التابعين؛ ۵-۵- خامساً: تفسیر القرآن باللغة؛ ۵-۶- سادساً: التفسیر بالاجتهاد والرأي». این موارد مربوط به بخش «انواع تفسیر به طور کل» <دفعی > اکتسابی (واقعی) <نقلی است. در حالی که مراد ایشان از «اصول تفسیر»، روش‌شناسی تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن است که از اصل مبحث دور مانده است. ایشان در بخش «۶- التفسیر بالمأثور» این موارد را ذکر می‌کند: «۶-۱- اختلاف السلف في التفسیر؛ ۶-۱-۱- تعریف اختلاف التنوع و اختلاف التضاد؛ ۶-۱-۲- أنواع اختلاف التنوع؛ ۶-۱-۳- أسباب الاختلاف في تفسیر السلف؛ ۶-۱-۴- من أسباب الاختلاف بين مفسري السلف». این موارد مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر» است که زیر مجموعه «مفسر» است و نه «تفسیر».

در قسمت «۶-۳- الأصول التي يدور عليها التفسیر» این موارد را ذکر می‌کند: «۶-۳-۱- أولاً: التفسیر على اللفظ؛ ۶-۳-۲- ثانياً: التفسیر على المعنى؛ ۶-۳-۳- ثالثاً: التفسیر على الإشارة والقياس»، که مانند مورد قبل مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر» است که زیر مجموعه «مفسر» است و نه «تفسیر».

در بخش «۶-۷- قواعد التفسیر» این موارد را بیان می‌کند: «۶-۷-۱- أولاً: القواعد العامة؛ ۶-۷-۲- ثانياً: القواعد الترجيحية». ایشان در این بخش در توضیح «قواعد عامة» چنین بیان می‌کند: «القواعد هي: الأمور الكلية المنضبطة التي يستخدمها المفسر في تفسيره، ويكون استخدامها لها إما ابتداءً، ويني عليها فائدة في التفسیر، أو ترجيحاً بين الأقوال ويمكن استنباط هذه القواعد من كتب التفسیر، وكتب اللغة، والبلاغة، والأصول» (بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۱۱۸). این قواعد عبارتند از: همه موارد منسجمی که مفسر در تفسیرش به کار می‌گیرد که یا به صورت ابتدایی آنها را به کار می‌گیرد و فایده‌ای را بر اساس آنها بنا می‌کند یا برای ترجیح دادن بین سخنان یا ممکن است به عنوان ابزاری برای استنباط قواعد از کتب تفسیر، لغت، بلاغت و اصول به کار گرفته شوند. با توجه به مطالب ایشان، این بخش در قسمت «علوم مورد نیاز مفسر» جای می‌گیرد.

ایشان در قسمت «۷- کلیات القرآن» این موارد را ذکر می‌کند: «۷-۱- أولاً: کلیات الألفاظ؛ ۷-۲- ثانياً: کلیات الأسلوب». مراد از «کلیات قرآن» طبق گفته مؤلف این است: «المراد بالكليات القرآن ما يطلقه بعض المفسرين على لفظ أو أسلوب بأنه يأتي في القرآن على معنى مطرد و هذه الإطلاقات الكلية تبين مصطلحات القرآن في الألفاظ والأساليب، فيكون اللفظ الكلي مصطلحاً قرآنياً خاصاً... [في المثل] (كل ظن في القرآن فهو علم)» (همان، ۱۶۲-۱۶۱). مراد از «کلیات قرآن» این است که برخی مفسران آن را بر

لفظ یا اسلوبی اطلاق می‌کنند که در قرآن بر معنای شایع و رایج می‌آید و این اطلاق‌ها کلی مصطلحات قرآن را در الفاظ و اسلوب‌هایی بیان می‌کنند مانند: (هر چه لفظ «ظن» در قرآن است به معنای «علم» است)). با توجه به توضیحات بیان شده، مانند موارد قبل، این بخش مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر» است.

در بخش «۸- توجیه القراءات و أثره في التفسير» که مربوط به انواع قرائت است. این بخش مربوط به «کیفیت تلفظ و تأثیر لهجه‌ها» که زیر مجموعه «تاریخ قرآن» است می‌باشد.

با توجه به مطالب گفته شده نتیجه می‌گیریم که مؤلف کتاب «فصول فی اصول التفسیر» درباره «اصول تفسیر» و «روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن» هیچ‌گونه صحبتی نکرده‌اند و هر چه گفته‌اند مطالب حاشیه‌ای و پیرامونی است.

## ۷-۲- مقدمه التفسیر لابن قاسم (عبدالرحمن بن محمد بن قاسم الحنبلي)

### ۱- مقدمه

هسته مرکزی - اصل بحث:

### ۲- الباب الأول: تنزیل القرآن

۱-۲- الباب الثاني: مواضع نزول القرآن؛ ۲-۲- الباب الثالث: إنزال القرآن؛ ۳-۲- الباب الرابع: أسباب نزول القرآن.

۳- الباب الخامس: عام القرآن و خاصه

۴- الباب السادس: ناسخ القرآن و منسوخه

۵- الباب السابع: مُحْكَمُ الْقُرْآنِ وَ مُشَابِهُهُ

۶- الباب الثامن: التَّأْوِيلُ

۷- الباب التاسع: نَفْيُ الْمَجَازِ

۸- الباب العاشر: إعجاز القرآن

۹- الباب الحادي عشر: أمثال القرآن

۱۰- الباب الثاني عشر: إقسام القرآن

۱۱- الباب الثالث عشر: الْخَبَرُ وَالْإِنْشَاءُ

۱۲- الباب الرابع عشر: طُرُقُ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ

۱۲-۱- الباب الخامس عشر: التَّفَاسِيرُ

۱۳- الباب السادس عشر: سَبَبُ الْاِخْتِلَافِ

۱۴- الباب السابع عشر: تَفْسِيرُ الْقُرْآنِ

۱۵- الباب الثامن عشر: تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ

عبدالرحمن بن محمد بن قاسم الحنبلي در مقدمه تفسیرش می‌گوید: «أَمَّا بَعْدُ : فَهَذِهِ مُقَدِّمَةٌ فِي التَّفْسِيرِ : تُعَيِّنُ عَلَى فَهْمِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الْجَدِيرِ بِأَنْ تُصَرَّفَ لَهُ الْهِمَمُ ، ففیه الهدی والنور ، وَمَنْ أَخَذَ بِهِ هُدًى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بن قاسم الحنبلي، بی تا: ۱)؛ اما بعد، این مقدمه در تفسیر، به فهم قرآن کریم کمک و مشکلات را از مسیر آن رفع می‌کند پس در آن هدایت و نور است و هر کس آن را بگیرد به راه مستقیم هدایت شده است). بنابراین این کتاب را در راستای فهم درست و صحیح قرآن کریم می‌داند.

## نقد و بررسی

ایشان در «۲-الباب الأول: تنزيل القرآن» این موارد را بیان می‌کند: «۱-۲-الباب الثاني: مواضع نزول القرآن؛ ۲-۲-الباب الثالث: إنزال القرآن؛ ۳-۲-الباب الرابع: أسباب نزول القرآن» که مربوط به تاریخ قرآن است.

مباحث «۳-الباب الخامس» تا «۱۱-الباب الثالث عشر» مربوط به «بلاغت قرآن» است که آن زیر مجموعه «علوم قرآن» قرار می‌گیرد.

مباحث «۱۲-الباب الرابع عشر: طرق تفسير القرآن، ۱۲-۱-الباب الخامس عشر: التفاسير» مربوط به بخش «انواع تفسیر به طور کل» «دفعی < اکتسابی (واقعی) > نقلی است.

مباحث «۱۳-الباب السادس عشر: سبب الاختلاف [سبب اختلاف در تفاسیر از قبیل نقلی، استدلالی و...]» مربوط به «محور و فرقه‌های مفسران» است که زیر مجموعه مفسر قرار می‌گیرد.

مباحث «۱۴-الباب السابع عشر: تفسير القرآن» مربوط به «علوم مورد نیاز مفسر» است.

مباحث «۱۵-الباب الثامن عشر: تلاوة القرآن» مربوط به «کیفیت تلفظ و تأثیر لهجه‌ها» است که زیر مجموعه «تاریخ قرآن» قرار می‌گیرد.

بنابراین این کتاب مطلب اصلی و مهمی درباره «روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن» ندارد و بیشتر به مسائل حاشیه‌ای و پیرامونی پرداخته است. البته ایشان نیز به صورت صریح در مقدمه کتابش بیان نکرده است که خواهان پرداختن به مباحث «اصول تفسیر» است.

## ۲-۸- مقدمه في أصول التفسير (ابن تیمیه حرانی)

## ۱-مقدمة

## ۱-۱- فصل في عناية الصحابة و التابعين بمعاني القرآن

هسته مرکزی - اصل بحث:

## ۲- فصل في اختلاف السلف في التفسير اختلاف تنوع [اختلاف سلف در تفسیر و این اختلاف به معنای تنوع است]

## ۱-۲- فصل في نوعي الاختلاف في التفسير

۱-۱-۲- النوع الأول: الخلاف الواقع في التفسير من جهة النقل؛ ۲-۱-۲- النوع الثاني: في الاختلاف في التفسير باختلاف طرق الاستدلال.

## ۳- فصل تفسير القرآن بالقرآن، و تفسيره بالسنة، و أقوال الصحابة

## ۱-۳- فصل تفسير القرآن بأقوال الصحابة؛ ۳-۲- فصل تفسير القرآن بأقوال التابعين.

## ۴- فصل تفسير القرآن بمجرد الرأي

## ۵- فصل أقرب التفاسير إلى الكتاب و السنة

## ۶- فصل جمع القراءات السبع

## نقد و بررسی

ابن تیمیه در مقدمه کتابش «مقدمة في اصول التفسير» می‌نویسد: «أما بعد : فقد سألتني بعض الإخوان أن أكتب له مقدمة تتضمن

قواعد کلیه، تعین علی فهم القرآن و معرفة تفسیره و معانیه، و التمييز في منقول ذلك و معقوله بين الحق و أنواع الأباطيل، و التنبيه على الدليل الفاصل بين الأقاويل؛ فإن الكتب المصنفة في التفسير مشحونة بالغث و السمين، و الباطل الواضح و الحق المبین. و العلم إما نقل مصدق عن معصوم، و إما قول عليه دليل معلوم، و ما سوى هذا فإما مزيف مردود، و إما موقوف لا يعلم أنه بهرج و لا منقود» (ابن تیمیة حرانی، ۱۴۰۰ق: ۲)؛ اما بعد، برخی از برادران از من درخواست کردند که مقدمه‌ای شامل قواعد کلی بر فهم قرآن، شناخت تفسیر و معانی آن، راه شناسایی و تمییز بین گفته‌ها و معقولات آن از میان حق و انواع باطل و ارائه دادن بهترین ملاک در گزینش برترین گفته‌ها بنویسم؛ زیرا کتاب‌های نوشته شده در تفسیر، مملوء از مطالب درست و نادرست و باطل آشکار و حق روشن است. دانش [صحیح]، یا نقل واقعی و درست از معصوم است یا گفته‌ای که بر آن دلیل آشکاری است و به جز این موارد یا درهم و مردود است یا متوقف شده است که نمی‌دانیم که آیا درهم و آشوب‌زده است یا پالایش و آماده شده. این کتاب غالباً به صورت پرسش و پاسخ است.

ابن تیمیه در «۱-۱- فصل في عناية الصحابة و التابعين بمعاني القرآن» می‌گوید: «يجب أن يعلم أن النبي صلى الله عليه و [آله و] سلم يَبَيِّنُ لأصحابه معاني القرآن كما بين لهم ألفاظه» (همان: ۴)؛ واجب است که بدانیم که پیامبر (ص) همان گونه که الفاظ قرآن کریم را به اصحابش تبیین کرد معانی قرآن را نیز برای آنان تبیین و آشکار ساخت. این مبحث با توجه به پیوست شماره ۲، در قسمت انتقال قرآن و حفظ و نگهداری آن قرار می‌گیرد که همه اینها زیر مجموعه تاریخ قرآن هستند.

در بخش «۲- فصل في اختلاف السلف في التفسير اختلاف تنوع» ابن تیمیه تحلیل می‌کند که اختلاف سلف و گذشتگان در تفسیر به معنای تنوع است نه اختلاف و تناقض‌گویی. او در این رابطه می‌گوید: «الخلافا بين السلف في التفسير قليل، و خلافهم في الأحكام أكثر من خلافهم في التفسير، و غالب ما يصح عنهم من الخلاف يرجع إلى اختلاف تنوع لا اختلاف تضاد» (همان: ۶)؛ اختلاف گذشتگان در تفسیر اندک است و اختلاف آنها در احکام بیشتر از اختلافشان در تفسیر است. و غالب آنچه در اختلاف از آنها وجود دارد اختلاف تنوع [تضارب افکار و ایده‌های جدید] است نه اختلاف از نوع تضاد. این مبحث در قسمت تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر قرآن قرار می‌گیرد و ارتباط اصلی و اساسی و معناداری با اصول تفسیر ندارد.

ابن تیمیه در مبحث «۱-۲- فصل في نوعي الاختلاف في التفسير» این موارد را ذکر می‌کند: «۱-۲-۱- النوع الأول: الخلاف الواقع في التفسير من جهة النقل؛ ۱-۲-۲- النوع الثاني: في الاختلاف في التفسير باختلاف طرق الاستدلال». این بخش مربوط به «انواع تفسیر به طور کل» است که به معرفی انواع تفسیر از نقلی و استدلالی می‌پردازد.

در مبحث «۳- فصل تفسیر القرآن بالقرآن، و تفسیره بالسنة، و أقوال الصحابة» ابن تیمیه این موارد را بیان می‌کند: «۱-۳- فصل تفسیر القرآن بأقوال الصحابة؛ ۲-۳- فصل تفسیر القرآن بأقوال التابعين»؛ و در قسمت «۴- فصل تفسیر القرآن بمجرد الرأي» این مباحث مربوط به «انواع تفسیر به طور کل» است که با توجه به پیوست شماره ۲، به این ترتیب است: «انواع تفسیر به طور کل» < دفعی < اکتسابی (واقعی) < نقلی است. در حالی که مراد ایشان از «اصول تفسیر»، روش‌شناسی تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن است که از اصل مبحث اصلی به دور مانده است.

سپس ابن تیمیه در بخش «۵- فصل أقرب التفاسير إلى الكتاب و السنة» با نظر و سلیقه خود بهترین مصادیق از تفاسیر که نسبت به کتاب و سنت نزدیک‌ترند را ذکر می‌کند. این بخش مربوط به «تاریخ تفسیر» است.

ابن تیمیه در بخش آخر کتاب خود «۶- فصل جمع القراءات السبع» را ذکر می‌کند و نظر خود را راجع به قراءات سبع و درست یا غلط

بودن آنها ابراز می‌دارد. این مبحث مربوط به «کیفیت تلفظ و تأثیر لهجه‌ها» که زیر مجموعه «تاریخ قرآن» است می‌باشد. بنابراین در کتاب ابن تیمیه که به عنوان «مقدمه‌ای در اصول تفسیر» به حساب می‌آید و نویسندگان بسیاری بر آن حاشیه زده یا آن را شرح داده‌اند، موضوعی که در ارتباط اصلی و اساسی با «اصول تفسیر» باشد یافت نشد و اگر عنوان کتاب «مقدمه فی تاریخ القرآن و تاریخ التفسیر» نامگذاری می‌شد مناسب‌تر بود!

## ۹-۲- نحو تفسیر علمی للقرآن (احمد الوائلی)

### ۱- مقدمة تمهيدية

#### ۱-۱- تعريف التفسير لغة واصطلاحاً

۲-۱- اقسام التفسير الرئيسية [انواع تفسیر اصلی]؛ ۱-۲-۱- التفسير بالمأثور؛ ۱-۲-۲- التفسير بالاجتهاد.

۳-۱- اهداف التفسير؛ ۴-۱- المقصود بالتفسير العلمي؛ ۵-۱- انواع التفسير اللاعلمی.

هسته مرکزی - اصل بحث:

### ۲- الفصل الاول

۱-۲- العناصر والاتجاهات الشاذة في التفسير والاختفاء المنهجية فيه [عناصر و نگرش‌های نادر در تفسیر و اشتباهات اصولی در آن]

۱-۱-۲- القسم الاول: التفسير الذي تفترض فيه ايدولوجية خاصة سبقاً و سلفاً [تفسیری که بنای آن، نگرش و اعتقادی خاص است]

۱-۱-۲- نماذج منه

۲-۱-۲- القسم الثاني: الذي عنوانته بالزائد على القرآن والذي يحمل على القرآن [تفسیری که با عنوان زائد بر قرآن یا نظری که بر قرآن

تحميل شود نامگذاری می‌شود]؛ ۳-۱-۲- القسم الثالث: التفسير الناقص عن استيعاب [گرفتن] محتويات القرآن الكريم و عن

استيعاب خواصه [تفسیر ناقصی که بدون محتویات قرآن کریم و بدون خواص آن باشد]

۱-۳-۱-۲- الشعبة الاولى: ما يغفل عنصر الابدية في القرآن الكريم [عنصر ابدی بودن قرآن، مغفول مانده است]؛ ۲-۳-۱-۲- الشعبة

الثانية: اغفال ما يتصوره بعض المفسرين بانه ليس محل ابتلاء [تصور غلط برخی مفسران که فلان موضوع، در این زمان به کار

نمی‌آید]؛ ۳-۳-۱-۲- الشعبة الثالثة: ما يهمل بدعوى انه مما استأثر الله بعلمه [اهمال کردن به آنچه که خداوند علمش را به دیگران

داده است]

### ۳- الفصل الثاني؛ ۱-۳- شروط المفسر

۱-۱-۳- الشرط الاول: ان يكون متقناً للعلوم التالية؛ ۲-۱-۳- الشرط الثاني: علم الموهبة؛ ۳-۱-۳- الشرط الثالث: أن يكون ممن رزق

قابلية على المعاناة الشديدة و جسراً على تحمل الصعاب؛ ۴-۱-۳- الشرط الرابع: أن يكون على ورع و تقوى تمنعه من التسرع و

الحكم دون تثبت؛ ۵-۱-۳- الشرط الخامس: أن يكون سليماً معافى في جسده و نفسه.

۲-۳- نماذج من التفسير؛ ۴- خاتمة

## نقد و بررسی

شیخ وائلی (ره) در مقدمه کتاب خود می‌گوید: «و أكرر ما سبق أن دعوت إليه من ضرورة تفسير القرآن الكريم تفسيراً علمياً ييسر

للأجيال أن تأخذ زادها منه و هو غير مشوب بالكدر و لا محفوف بالمنغصات و لا محاط بالتزوير و التهريج، و ما أجدر هذه المأدبة

الكريمة اقول: ما أجدرها بأن تخلو من المنغصات، فإن الله تعالى لم يعد لعباده زاداً يريد منهم أن يأكلوه هنيئاً ثم هو يضع فيه السم. إن ذلك خلاف المنة و الرحمة...» (الوائل، ۱۴۰۵ق: ۶۸)؛ و باز تکرار می‌کنم به آنچه که از ضرورت تفسیر قرآن کریم به آن دعوت کردم، تفسیری علمی که آن را برای نسل‌ها آسان کند تا توشه خود را از آن [قرآن کریم] بگیرند در حالی که آن بدون آلودگی و تیرگی باشد و با تزویر و توهین همراه نباشد. و شایسته است که درباره این سفره کریمانه بگویم: چقدر شایسته است که از تیرگی‌ها مصون باشد زیرا خداوند بلند مرتبه برای بندگانش غذایی آماده نکرده است که به آنها بگوید از آن گوارا بخورید سپس در آن سم بریزد این خلاف منت و رحمت است...).

ایشان این کتاب را در راستای ارائه اصول تفسیر علمی تألیف کرد. اکنون ببینیم که آیا در نیل به این هدف موفق بوده است یا خیر؟ ایشان در قسمت «۱- مقدمه تمهیدی؛ ۱-۱- تعریف التفسیر لغة و اصطلاحاً؛ ۲-۱- اقسام التفسیر الرئيسية؛ ۱-۲- التفسیر بالمأثور؛ ۲-۲- التفسیر بالاجتهاد؛ ۳-۱- اهداف التفسیر؛ ۴-۱- المقصود بالتفسیر العلمی؛ ۵-۱- انواع التفسیر اللاعلمی» مبادی، کلیات، مقدمات و تعریفات بحث را مطرح می‌کند.

در مبحث «۲- الفصل الاول؛ ۱-۲- العناصر و الاتجاهات الشاذة فی التفسیر و الاخطاء المنهجية فيه؛ ۱-۱- القسم الاول: التفسیر الذی تفترض فيه ايدولوجية خاصة سبقاً و سلفاً؛ ۲-۱-۲- القسم الثاني: الذی عنوانته بالزائد على القرآن و الذی يحمل على القرآن؛ ۳-۱-۲- القسم الثالث: التفسیر الناقص عن استيعاب [گرفتن] محتويات القرآن الكريم و عن استيعاب خواصه؛ ۱-۳-۱-۲- الشعبة الاولى: ما يغفل عنصر الابدية فی القرآن الكريم؛ ۲-۳-۱-۲- الشعبة الثانية: اغفال ما يتصوره بعض المفسرين بانه ليس محل ابتلاء؛ ۳-۳-۱-۲- الشعبة الثالثة: ما يهمل بدعوى انه مما استأثر الله بعلمه»، به علل و عوامل لغزش و خطا در تفسیر اشاره می‌کند و راه‌های مصون ماندن از اشتباهات تفسیری را بیان می‌کند. این بخش مربوط به «حالات مفسر» است که زیر مجموعه «مفسر» قرار دارد. در مبحث «۳- الفصل الثاني؛ ۱-۳- شروط المفسر؛ ۱-۱-۳- الشرط الاول: ان يكون متقناً للعلوم التالية؛ ۲-۱-۳- الشرط الثاني: علم الموهبة؛ ۳-۱-۳- الشرط الثالث: ان يكون ممن رزق قابلية على المعاناة الشديدة و جسراً على تحمل الصعاب؛ ۴-۱-۳- الشرط الرابع: ان يكون على ورع و تقوى تمنعه من التسرع و الحكم دون تثبت؛ ۵-۱-۳- الشرط الخامس: ان يكون سليماً معافى فی جسده و نفسه» شرایط و حالات و «علوم مورد نیاز مفسر» را بیان می‌کند که این موارد زیر مجموعه «مفسر» قرار می‌گیرند. و در پایان نیز «۲-۳- نماذج من التفسیر؛ ۴- خاتمة» را مطرح می‌کند که تفاسیری را نام می‌برد که شرایط فوق‌الذکر در آنها به کار رفته است. در نتیجه همان گونه که مشاهده می‌شود در زمینه «اصول تفسیر» مطلب اصلی و اساسی گفته نشده است اما درباره خود موضوع که «شیوة تفسیر علمی قرآن» است می‌توان گفت مباحث خوبی مطرح شده است.

## ۲-۱۰- من الاتجاهات المنحرفة في التفسير [في ظلال دلالات سورة الكهف] (جمال ابوحسان)

### ۱- ملخص [چکیده]

#### ۲- مقدمة

۱-۲- مشكلة البحث؛ ۲-۲- منهجية البحث؛ ۳-۲- خطة البحث؛ ۴-۲- تمهيد: هذا الكتاب عنوانه: «في ظلال دلالات سورة الكهف». هسته مرکزی - اصل بحث:

۳- يقوم هذا الكتاب في أصل فكرته و بحوثه على ما يلي

۱-۳- أولاً: ما أورده الكاتب في كتابه من عبارات لا تليق بالله تعالى؛ ۲-۳- ثانياً: [المؤلف] إن سورة الكهف ينبغي أن تفسر تفسيرا

مجازیا، و لا يجوز أن تفسر ألفاظها حسب المتبادر الظاهر؛ ۳-۳. ثالثاً: اضطراب المؤلف الشديد في فهم حقيقة المسيح الدجال؛ ۳-۴. رابعاً: بناء المؤلف هذا الكتاب على حديث باطل، و رده للأحاديث الصحيحة الثابتة؛ ۳-۵. خامساً: لم يلتفت الكاتب إلى آراء علماء الإسلام بل نبذها وراء ظهره؛ ۳-۶. سادساً: زعم الكاتب أن النبي صلى الله عليه و [آله و] سلم تأثر بالأناجيل و سار على نفس منهاجها؛ ۳-۷. سابعاً: اضطرب الكاتب في موضوع الملائكة و الجن اضطراباً لم يسبقه إليه سابق؛ ۳-۸. ثامناً: اضطرب المؤلف اضطراباً عجيباً في تفسير قصة موسى عليه السلام الواردة في سورة الكهف؛ ۳-۹. تاسعاً: دعوة الكاتب للانضمام أمام الأعداء؛ ۳-۱۰. عاشراً: الكاتب و مجدد هذا العصر؛ ۳-۱۱. حادي عشر: نماذج من هذا التفسير الشائن.

#### ۴- الخاتمة

#### ۵- مراجع البحث

#### نقد و بررسی

کتاب «من الاتجاهات المنحرفة في التفسير» نقد کتاب «في ظلال دلالات سورة الكهف» است. ابوحسان این نقد را برای پایان نامه کارشناسی (لیسانس) خود انجام داده است. در مقدمه این کتاب می نویسد: «لقد قمت أولاً بقراءة الكتاب كلمة كلمة من أوله إلى آخره، ثم وضعت الملحوظات العامة و الخاصة على هوامش الكتاب، و بعد ذلك قمت بتصنيفها حسب معطيات موضوعية رأيتهما تتناسب مع الموضوع المدروس، و ابتدأت الحديث بالملاحظات العامة حول الكتاب» (ابوحسان، بی تا: ۳)؛ همانا اولاً من این کتاب را کلمه به کلمه از ابتدا تا انتهای آن خواندم، سپس تفکرات عامه و خاصه را در پیوست کتاب آوردم و بعد از آن بر اساس موضوعات، آنها را نگاشتم و دیدم که با موضوع مورد بحث تناسب دارد و با تفکرات عامه کتاب را شروع کردم). سپس موضوع کتاب را بیان می کند: «يعالج هذا البحث نمطاً من أنماط التفسير العصري غير المنضبط بالضوابط المنهجية العلمية الخاصة بالتفسير من خلال أحد المؤلفات الحديثة، و التي صدرت تحت عنوان (في ظلال دلالات سورة الكهف) حيث عرض الباحث هذا الكتاب و ما فيه من قضايا، ثم قفى بنقد الدعاوى الباطلة و الاستنتاجات الخاطئة التي ملئ بها. و قد ثبت للباحث أن صاحب الكتاب ينتحل القاديانية و لكنه لم يفصح عن دعوته في كتابه و إنما ألمح إليها إلماحاً». (همان: ۱) این مبحث یکی از روش های تفسیر عصری غیر منظم و غیر اصولی که مغایر با روش های علمی به ویژه تفسیر را علاج می کند که در خلال یکی از تألیفات جدید است و تحت عنوان (في ظلال دلالات سورة الكهف) [در سایه سار دلالت های سورة الكهف] نوشته شده است. نویسنده شروع به نقد این کتاب و قضایای آن نمود. سپس به نقد ادعاهای باطل و نتیجه های اشتباه که از آن پر شده است همت گماشت. و برای ناقد ثابت شده است که صاحب کتاب از قادیانیه<sup>۲</sup> است (ظاهر النباطی العاملی ۱۴۲۰ق، ۱: ۲۵). ولی در کتابش به صورت صریح این را بازگو نمی کند بلکه به صورت ضمنی به این نکته اشاره می کند).

با توجه به فهرست این کتاب، ناقد به اشکالات و ایرادهای مؤلف در توضیح و تفسیر سورة کهف جواب می دهد و با توجه به ملاک ها

<sup>۲</sup> - مؤسس این فرقه غلام احمد قادیانی است، غلام احمد در سال ۱۸۳۹م (حدود سال ۱۲۵۵ق) در روستایی به نام قادیان از شهرستان گرداس پور پنجاب از توابع هند متولد شد و در سال ۱۹۰۸ در شهر لاهور در پاکستان از دنیا رفت و جسد او به قادیان منتقل و در آن جا به خاک سپرده شد. تاریخ پیدایش احمدیه به سال ۱۸۸۹م برمی گردد که وی در چهل سالگی اعلام کرد مورد وحی و الهام الهی قرار دارد و از کسانی است که خداوند هر صد سال یکی را برمی انگیزد تا دین اسلام را تجدید کند و ادعا کرد که از طرف خداوند مأمور است از مردم بیعت بگیرد. او در سال ۱۰۹۴م خود را مسیح، مهدی موعود و تارا کریشنا خواند.

و معیارهای عامه و خاصه از علمای گذشته و حال، اشکالات را بررسی و حل می‌کند. برخی مباحث ایشان حول «تاریخ قرآن» دور می‌زند مانند: «(۳-۳) ثالثاً: اضطراب المؤلف الشديد في فهم حقيقة المسيح الدجال؛ ۷-۳- سابغاً: اضطرب الكاتب في موضوع الملائكة والجن اضطراباً لم يسبقه إليه سابق؛ ۸-۳- ثامناً: اضطرب المؤلف اضطراباً عجيباً في تفسير قصة موسى عليه السلام الواردة في سورة الكهف»؛ بعضی زیر مجموعه «علوم قرآن» قرار می‌گیرند مانند: «(۲-۳) ثانياً: [المؤلف] إن سورة الكهف ينبغي أن تفسر تفسيراً مجازياً، ولا يجوز أن تفسر ألفاظها حسب المتبادر الظاهر»؛ برخی به «انواع تفسیر به طور کل» < دفعی > اکتسابی (واقعی) < نقلی مربوط هستند مانند: «(۳-۴) رابعاً: بناء المؤلف هذا الكتاب على حديث باطل، ورده للأحاديث الصحيحة الثابتة»؛ و برخی به «تاریخ تفسیر به طور کل» مربوط هستند مانند: «(۳-۵) خامساً: لم يلتفت الكاتب إلى آراء علماء الإسلام بل نبذها وراء ظهرها». در نتیجه همان گونه که مشاهده می‌شود در زمینه «اصول تفسیر قرآن» (روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن) مطلب اصلی و اساسی گفته نشده است اما درباره خود موضوع که نقد کتاب «فی ظلال دلالات سورة الكهف» است می‌توان گفت مباحث خوبی مطرح شده است.

### ۳- نتیجه‌گیری

با بررسی ده کتاب از کتب «اصول تفسیر قرآن» (روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن)، که وجه همت خود را تبیین مراحل و فلسفه تفسیر اجتهادی قرآن می‌بینند و درصدد آن هستند که مراحل تفسیر اجتهادی قرآن را از نگاه مفسران شیعه یا اهل سنت به مخاطب ارائه دهند، با بررسی موشکافانه و دقیق این کتب، نتایج ذیل استخراج و دسته‌بندی می‌شود:

(۱) تعدادی از این کتب در هدف و به سرانجام رساندن مطالب کتاب با توجه به آنچه در مقدمه یا کلیات بیان کرده بودند راه خطا رفته و عنوان کتاب با معنوی آن (محتوا) مطابقت نمی‌کند.

(۲) در برخی موارد، مؤلف به حاشیه رفته و اصل مطلب را بیان ننموده است.

(۳) در بعضی کتب، مطالب به صورت پراکنده و بدون نظم خاصی در کتاب آورده شده است.

(۴) مطالبی که هیچ ربطی به مراحل تفسیر اجتهادی قرآن، یا موضوع و عنوان کتاب ندارد در کتاب گنجانده شده است و در برخی موارد اطالة کلام صورت گرفته است. در بسیاری موارد کتابی که مثلاً حدوداً ۱۰۰ صفحه می‌باشد، اگر مؤلف به مسائل و موضوعات کتاب با توجه به عنوان آن اشراف و تسلط داشت حجم کتاب به صورت ملموسی کم می‌شد.

(۵) متأسفانه اکثر کتب بررسی شده، فاقد ساختار و قالب‌بندی مناسب می‌باشند. تعداد کمی از آنها دارای فهرست و منابع پایانی می‌باشد که این امر برای خواننده‌ای که می‌خواهد کتاب را بخواند ضروری است.

(۶) به دلیل مشخص و منقح نبودن زوایای اصول تفسیر قرآن (روش‌شناسی و تبیین مراحل تفسیر اجتهادی قرآن) برای برخی اکثر نویسندگان و مؤلفان این موضوع، کتب آنها از نقاط ضعف، کاستی‌ها و کجروی‌های غیرقابل قبولی مصون نمانده است. در پایان یادآوری می‌شود که هر مؤلفی که می‌خواهد دست به تألیف کتابی - در این باب، اصول تفسیر قرآن (مراحل تفسیر اجتهادی قرآن) - بزند باید به اصول، مبانی و مراحل آن آگاهی کامل داشته باشد تا به راه خطا و اشتباه نرود و خارج از موضوع، مطالبی در کتاب نگنجاند به عبارت دیگر کتاب او جامع و مانع باشد.

پیوست ۱: جدول نقد و بررسی ساختار مؤلف

| نقد و بررسی ترتیب ساختار مؤلف |                                            |                           |                           |                   |             |           |        |       |     |       |     |                |          |         |   |                          |
|-------------------------------|--------------------------------------------|---------------------------|---------------------------|-------------------|-------------|-----------|--------|-------|-----|-------|-----|----------------|----------|---------|---|--------------------------|
| ردیف                          | نام کتاب                                   | نام مؤلف                  | مناسب بودن عنوان با معنون | چکیده و کلید واژه | فهرست مطالب | کلیات     |        |       |     |       |     | هسته مرکزی     |          |         |   | فهرست های پایانی و منابع |
|                               |                                            |                           |                           |                   |             | طرح مسأله | پیشینه | ضرورت | هدف | فرضیه | روش | مقدمه های هسته | اصل بحث  |         |   |                          |
|                               |                                            |                           |                           |                   |             |           |        |       |     |       |     |                | مقدمه ها | اصل بحث |   |                          |
| ۱                             | الإعجاز العلمي والعددي في الميزان          | خالد بن عثمان السبت       | *                         | -                 | -           | x         | x      | x     | x   | -     | -   | x              | *        | x       | - | -                        |
| ۲                             | الفوز الكبير في أصول التفسير               | ولی الله دهلوی            | x                         | -                 | -           | x         | x      | x     | x   | -     | -   | -              | *        | x       | - | -                        |
| ۳                             | القول المنير في علم أصول التفسير           | اسماعيل عثمان زين اليمنی  | x                         | -                 | -           | x         | x      | x     | x   | -     | -   | -              | *        | x       | - | -                        |
| ۴                             | النظم الحبير في علوم القرآن و اصول التفسير | سعود بن إبراهيم الشّريم   | x                         | -                 | -           | x         | x      | x     | x   | -     | -   | -              | *        | x       | - | -                        |
| ۵                             | مناهج المفسرين                             | صالح آل شيخ               | x                         | -                 | -           | x         | x      | x     | x   | -     | -   | -              | *        | x       | - | -                        |
| ۶                             | فصول في أصول التفسير                       | مساعدين سليمان            | x                         | -                 | -           | x         | x      | x     | x   | -     | -   | -              | *        | x       | - | -                        |
| ۷                             | مقدمة التفسير لابن قاسم                    | عبدالرحمن بن محمد الحنبلي | *                         | -                 | -           | x         | x      | x     | x   | -     | -   | -              | *        | x       | - | -                        |
| ۸                             | مقدمة في أصول التفسير                      | ابن تيميه حرانی           | x                         | -                 | -           | x         | x      | x     | x   | -     | -   | -              | *        | x       | - | -                        |
| ۹                             | نحو تفسیر علمی للقرآن                      | احمد الوائلى              | *                         | -                 | *           | x         | x      | x     | x   | x     | x   | x              | *        | x       | - | -                        |
| ۱۰                            | من الاتجاهات المنحرفة فى التفسير           | جمال ابوحسان              | *                         | *                 | x           | x         | x      | x     | x   | -     | -   | x              | *        | x       | * | *                        |

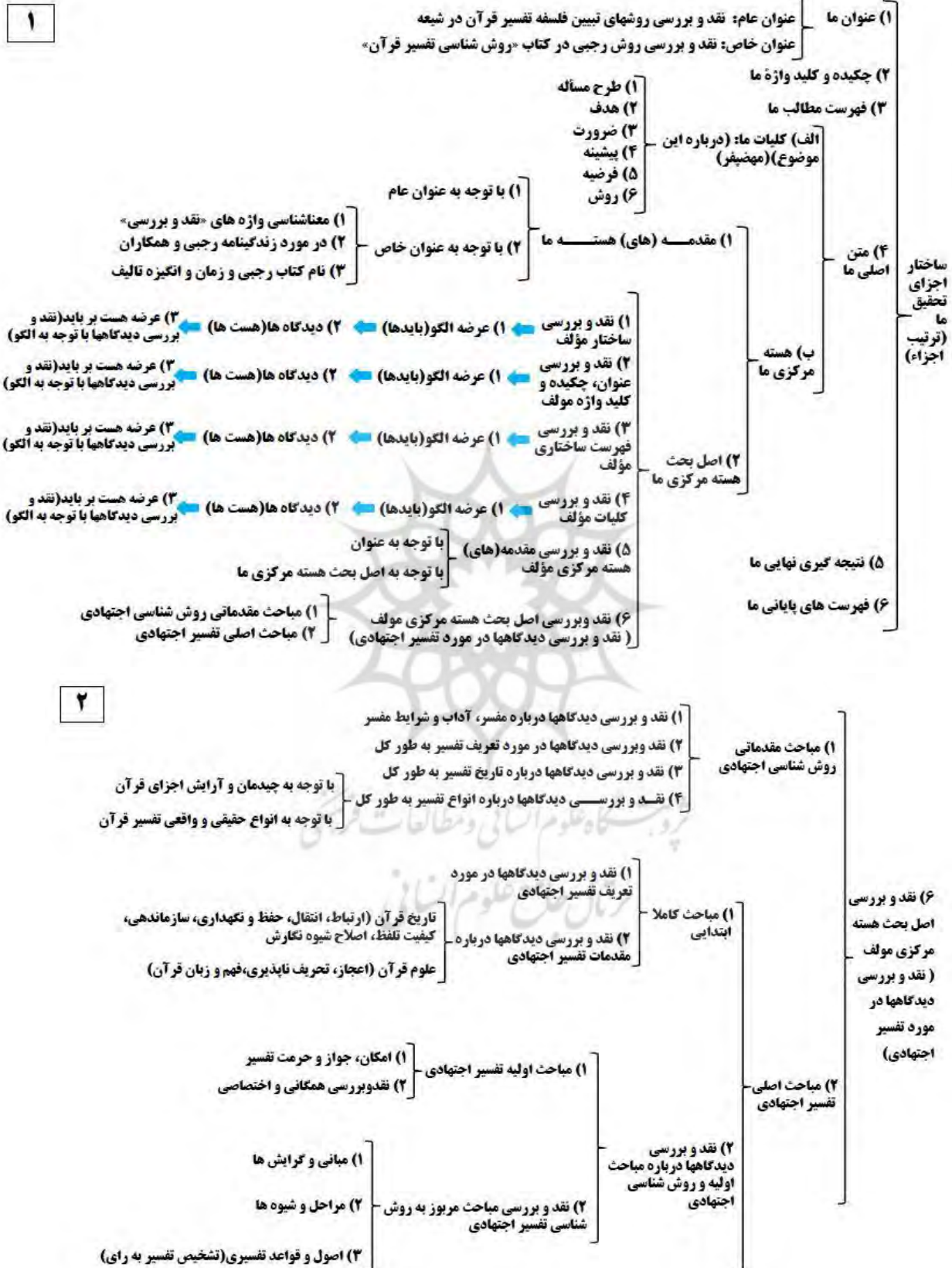
راهنما:

(۱) علامت ستاره (\*) نشانه مناسب بودن محل قرار گیری وضعیت کلی عناوین بالا است.

(۲) علامت ضربدر (x) نشانه نامناسب بودن محل قرار گیری وضعیت کلی عناوین بالا است.

(۳) علامت منفی (-)، نشانه عدم وجود وضعیت کلی عناوین بالا می باشد.

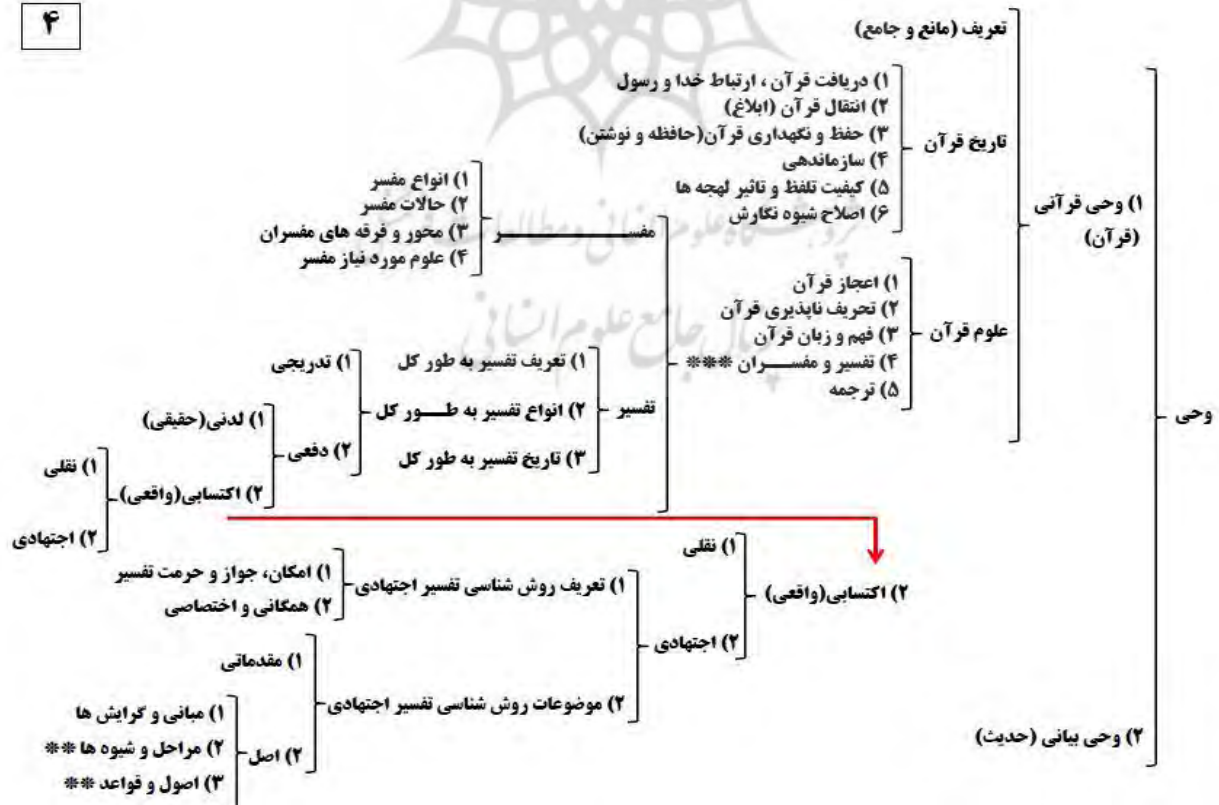
پیوست ۲: چارت ساختار اجزای تحقیق (ترتیب اجزا)



۳



۴



## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

- ۱- ابن تیمیة حرانی، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۰۰ق). مقدمة في أصول التفسير، بيروت، انتشارات دار مكتبة الحياة.
- ۲- ابن سلیمان، مساعد. (۱۴۲۳ق). فصول في أصول التفسير، چاپ دوم، ریاض، انتشارات دار ابن الجوزی.
- ۳- ابن قاسم الحنبلي، عبد الرحمن بن محمد. (بی تا). مقدمة التفسير لابن قاسم، بی جا، بی نا.
- ۴- ابوحسان، جمال. (بی تا). من الاتجاهات المنحرفة في التفسير، بی جا، بی نا.
- ۵- آل شیخ، صالح. (بی تا). مناهج المفسرين، بی جا، بی نا.
- ۶- دهلوی، ولی الله. (۱۴۰۷ق). الفوز الكبير في أصول التفسير، ترجمه سلمان الحسینی الندوی، چاپ دوم، قاهره، انتشارات دارالصحوة.
- ۷- مسعودی، رضایی، مجتبی، امیر حسین، (۱۴۰۳) ارائه تصویر ارتكازی از امر به معروف و نهی از منکر و لوازم آن بر پایه مباحث اعتباریات، بن حارث نخعی، نشریه پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵، شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۴۱-۱۵۱ [10.22034/API.2024.2029569.1026](https://doi.org/10.22034/API.2024.2029569.1026)
- ۸- زین الیمنی، اسماعیل عثمان. (بی تا). القول المنیر في علم أصول التفسير، بی جا، بی نا.
- ۹- السبت، خالد بن عثمان. (بی تا). الإعجاز العلمي والعددي في المیزان، بی جا، بی نا.
- ۱۰- شادمانفرد، علیپور، محمد حسین، محمد حسین، (۱۴۰۳) ارائه چارچوب مفهومی حکمرانی اسلامی با ابتناء بر عهدنامه امیرالمؤمنین (ع) برای مالک بن حارث نخعی، نشریه پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵، شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۲۱-۱۳۹ / [10.22034/API.2024.2039576.1048](https://doi.org/10.22034/API.2024.2039576.1048)
- ۱۱- الشّريم، سعود بن إبراهيم. (۱۴۲۲ق). النظم الحبير في علوم القرآن و أصول التفسير، ریاض، انتشارات دار الوطن.
- ۱۲- ظاهر النباطی العاملی، سلیمان. (۱۴۲۰ق). دفع اوهام «توضیح المرام» فی الرد علی القادیانیة، بیروت، انتشارات غدیر.
- ۱۳- الوائلی، احمد. (۱۴۰۵ق). نحو تفسیر علمی للقرآن، چاپ اول، بیروت، انتشارات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.